



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: کورش مدرسی ۲۸ بهمن ۱۳۸۴ ۱۷ فوریه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

### جنگ آمریکا و جمهوری اسلامی، رویاهای غیر افلاطونی یک ناسیونالیست



ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

قالب یک "تبصره" چنین بیان کرد:

"ما از آن راه حل‌هایی برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی نمیکنیم که بر نیرو و انرژی و ابتکار نیروی مردم ایران مبتنی باشد. بنابراین از یک حمله خارجی پشتیبانی نمیکنیم مع هذا یک تبصره ای هم لازم است اینجا بگم از طرف دیگر ما به هیچوجه از طریق موضعگیریهای پیش‌رس و پانیک کردن در مورد اینکه گویا ایران در معرض حمله قرار دارد و ما باید کاری بکنیم و از الان اطلاعیه بدییم، و ننیارا رو سرمان بذاریم، این را غیر لازم و آب ریختن به آسیاب جمهوری اسلامی مینویسیم"

بنابراین جناب مهتدی مخالف این است که در برابر تقابلی که جامعه ایران را به مراتب خونین‌تر و خوفناکتر از عراق در معرض تاخت و تاز مهره‌های سناریو سیاه قرار میدهد، کاری کرد و یا حتی هشدار داد. او صراحتاً در ادامه اضافه کردن تبصره چندین ماده ای خود، گفت: "توماتیک پیوستن به این کُر وحشت پراکنی در مورد حمله آمریکا را ما درست نمیدانیم"

پاین تر توضیح خواهیم داد که چرا و طبق کدامین مدل، صفحه ۲

عبدالله مهتدی، در مصاحبه ای که رادیو همبستگی استکهلم با او و محمد رضا شالگونی و راسخ افشار، پیرامون خطراتی که با اوگیری بحران اتمی در جمهوری اسلامی متوجه جامعه ایران شده است، انجام داده است، اظهاراتی کرده است که لازم است به آن پرداخته شود. نشان دادن موضع ضدانسانی عبدالله مهتدی در رابطه با نزد یک شدن خطر درگیری نظامی بین جمهوری اسلامی و آمریکا، از این نظر مهم است، که نقش و جایگاه دستجات و باندهای قوم پرست را در اوضاع سناریو سیاه به تمامی نمایندگی میکند. اما در همان حال این مواضع، مورد دیگری بر تخصص های آقای مهتدی در ارتکاب همیشگی اشتباهات و محاسبات سیاسی او و سازمان زحمتکشان هم هست.

عبدالله مهتدی در رابطه با مخاطراتی که در صورت درگیری نظامی بین آمریکا و جمهوری اسلامی دامن جامعه ایران را خواهد گرفت، پس از مقداری این پا و آن پا کردن و مقدمه چینی ها، موضع اصلی خود و سازمان متبوع اش را در

صفحه ۴

تغییر سر دبیر کمونیست

صفحه ۴

درباره ضمام کمونیست

صفحه ۴

ضوابط تحریریه مرکزی

## کارگران جهان متحد شوید! - ۸ مارس در راه است این ماه، ماه زن است!

روز زن است. همه مردم بدانند که بر زن در این جامعه جنایتی روا داشته میشود. همه مردم به این جنایت و به صورت این جنایتکاران تف کنند.

همه جا باید فریاد بر آوریم که ما انسانیم، سر سوزنی از حق انسانی خود کوتاه نمی آئیم. زندگی در جامعه ای که نیمی از خود را از لحظه تولد پست، درجه سوم و نا انسان اعلام میکند را ننگ میدانیم. اگر انسان عزیز و شریف است به این دلیل است که نیمی از آن زن است.

از امروز تا ۸ مارس را باید به ماه زن، ماه آزادی و برابری، ماه روشنگری در باره ستم بر زن و ماه محکومیت ستمکار تبدیل کرد.

۸ مارس روز اعتراض به این جنایت است. روزی است که زن و مرد این جامعه، بزرگ و کوچک آن اعلام میکنند که این بندگی و این پردگی را نمی پذیرند. باید تلاش کرد ۸ مارس بزرگترین اجتماعات ممکن در دفاع از حقوق انسانی زنان پر پا شود.

اما ۸ مارس تنها یک روز است. و از امروز تا ۸ مارس حدود یک ماه. اما به هزار و یک دلیل ممکن است تجمع بزرگ و توده ای ممکن نشود. ممکن است حکومت نظامی کنند، ممکن است دوباره کشف کنند که هوا آلوده شده است، و .. مهم این است که چه تجمع توده ای ممکن باشد و چه نباشد، باید از امروز کاری کرد که همه مردم بدانند که ۸ مارس

### کورش مدرسی

۸ مارس، روز جهانی زن، در راه است. زنان اتباع درجه سوم جوامع اسلامی و جمهوری اسلامی هستند. زن انسان نیست. دختر بچه را در سن ۹ سالگی بنام ازدواج مورد تجاوز قرار میدهند، زن را به جرم عشق ورزی، به جرم انسان بودن و جرات عشق ورزی سنگسار میکنند. زن را به زور شوهر میدهند، زن را فاقد عقل اعلام میکنند و جامعه و در خانواده موقعیت انسانی را از او دریغ میکنند. جمهوری اسلامی نه نماینده ساده مرد سالاری، بلکه نماینده برده داران مرد سالار است که از اعماق قرون از تابوت بیرون آمده است. زن در جمهوری اسلامی انسان نیست.

### راه نجات کارگران شرکت واحد!



از مصاحبه مظفر محمدی با تلویزیون پرتو

پرتو: در این روزها بار احساسی مساله اعتصاب کارگران شرکت واحد خیلی برجسته میشود. از جمله مصاحبه با کودکان کارگران و غیره. شما چه احساسی دارید؟

مظفر محمدی: ببینید مسئله احساس همدردی با کارگر با زحمتکش، با کارگرانی که به قول معروف

میگویند به آنان ظلم شده یک امر طبیعی است. این جور مسائل قلب هر کسی را به درد میآورد. منتها از نظر من دیگر احساس ترحم و استغاثه به درگاه این و آن جایگاهی ندارد. اگر قرار باشد ما فقط

احساسات مان را در این زمینه به کار بگیریم باید شب و روز گریه میکردیم. وقتی که مردم را در ملاعام شلاق میزنند، زن را در گودالی میاندازند و سنگسارش میکنند، آنجایی که کودک را اعدام میکنند، لابد باید روز و شب گریه کرد. ولی اینها را نمیشود با احساسات جواب داد.

از نظر من دردناک تر چیز دیگری است. ببینید، وقتی جمهوری اسلامی مأمورانش را میفرستند سراغ دستگیری یک کارگر تنها و میبند منزل نیست، همسر و بچه اش را اسیر میکند و گروگان میگیرد این نشانه چیست؟

صفحه ۳

### شرایط زندانهای رژیم اسلامی را باید افشا کرد

زندانیان این زندان، دیگر زندانیان عادی را تحریک کرده اند که به زندانیان سیاسی چون کسانی که در این روزها، بی دین و مخالف امام حسین شهید هستند برخورد کنند. زندانیان بند زندان جنائی، ظاهراً در دفاع از عقاید خود به زندانیان سیاسی حمله کرده و آنان را بشدت

اعدام گرفته اند، در درون زندانهای رژیم با رفتارهای وحشیانه روبرو شده اند. رژیم اسلامی در این روزها، تعدادی از این زندانیان سیاسی را در زندان گوهر دشت کرج، به بند زندانیان جرائم جنائی منتقل کرده است. در روزهای تاسوعا و عاشورا، زیر فشار تحریکات گرایشات عقب مانده،

در میان شاخ و شانه کشیدن های رژیم اسلامی و دامن زدن به تشنج و بحران اتمی، در دل بی رحمی مقامات رژیم اسلامی در قبال کارگران شرکت واحد، زندانیان سیاسی، کسانی که به اتهاماتی چون راه انداختن وبلاگ و یا نوشتن مقاله ای و یا ایراد یک سخنرانی حتی حکم

کارگران شرکت واحد محور همبستگی جهانی کارگری رحمان حسین زاده

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنگ آمریکا..

عبدالله مهتدی از خطر تقابل نظامی، نه وحشت زده که، ذوق زده شده است.

و اما جالبتر این است که آقای مهتدی، با وجودی که گرداننده برنامه رادیو همبستگی است که به او یادآوری میکند که اعمال تحریم اقتصادی با توجه به نمونه عراق، عواقب مخرب و زیانباری برای مردم ایران خواهد داشت، اصرار میکند

"من منظورم این است که الزاما همیشه اینطور نیست که محاصره اقتصادی به زیان مردم است. خیر! مینویسند رژیم اسلامی را بسیار بیشتر از مردم تحت فشار قرار بدهد و حتی میتواند نقش کمی در پیشبرد مبارزه مردم داشته باشد"

و در این رابطه او اضافه میکند که تحریم اقتصادی علیه رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از این نوع مورد نظر او بود. و البته آقای مهتدی که اتفاقات و رویدادهای ناشی از تقابل نظامی آمریکا با رژیم عراق را قلم گرفته است و تحولات ناشی از دکتربین نظم نوین را در یوگوسلاوی پیشین و عراق کنونی و افغانستان از انتظار پوشانده است، در این توهم است که انگار مینویسد با فرض بی خبری مخاطبین خود، چشم بندی کند. اما نمیتوان درک و شعور بشر را تا این حد تنزل داد که این تفاوتی بنیادی را با دوران مبارزه با رژیم آفریقای جنوبی از انتظار پوشاند. در هر حال آقای مهتدی اینجا هم اشتباه محاسبات خود را آشکار

### همبستگی جهانی...

۲ ماه گذشته مبارزه کارگران شرکت واحد ابعاد گسترده و متنوعی را تجربه کرده است. در دو سوی این جنگ طبقاتی از یک سو کارگران و از سوی دیگر جمهوری اسلامی سرمایه داران هر کدام با ابزارها و امکانات ویژه خود دیگری را به مصاف طلبیده اند. جمهوری اسلامی با دستگیریهای وسیع و زندان و زور و گسیل گله بسیج و سپاه و ترفندها و وعده وعیدها و بکار گرفتن خانه کارگر و شورایی اسلامی نتوانسته این مبارزه را سد کند و رسوای بیشتری را هم به نصیب برده است. در صف مقابل اتحاد و اعتصاب و ابتکارات مبارزاتی کارگران شرکت واحد، ایستادگی در زندان و مبارزه جویی و حق طلبی تاکنونی به عنوان برگه درخشانی در جنبش کارگری ایران ثبت شده است. اگر چه کارگران

کرده است. از قوم پرستان وقتی در مقام تحلیلگر سیاسی ظاهر میشوند، انتظار دیگری نمیرود.

تا اینجا آقای عبدالله مهتدی، هم در طرف میلیتاریسم آمریکا قرار دارد و هم مدافع سرسخت تحریم و محاصره اقتصادی ایران است. اما "دیبرکل" سازمان زحمتکشان هنوز اینها را هم کافی نمیداند! او میگوید، هر نوع تصمیم به مقاومت در برابر مخاطرات دخالتهای نظامی و محاصره اقتصادی، و عموماً تلاش برای راه انداختن جنبش ضد جنگ و دخالتگری نظامی و اشغال نظامی، فقط آب به آسیاب جمهوری اسلامی میریزد! او باردیگر به برکتی که سیاست میلیتاریسم آمریکا در عراق و آن سهمی که در سایه تحریم و متوجع ترین عناصر سناریو سپاه "کردها" کرده است دو دستی چسپیده است و میفرماید:

"من اشتباه بزرگی میدونم برای اپوزیسیون ایران، برای اپوزیسیون بویژه انقلابی، برای اپوزیسیون چپ اش، برای جنبش ضد جنگ آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران راه بیاندازد، این را جز آب انداختن به آسیاب جمهوری اسلامی هیچ چیز دیگری نمیدونم. من این موضع را موضع افلاطونی و غیر کارساز می دونم... من در این رابطه تراژودارم. رژیم اسلامی دچار بحران بین المللی شده است، من چرا جنبش ضد جنگ راه بیاندازم که فشار از رویش کم بشه، من چرا آب به آسیاب این رژیم بریزم با این کار؟ غیر ممکنه! مبدا چپ ایران و اپوزیسیون ایران همان اشتباهی را بکنند که در

شرکت واحد هنوز به مطالبات صنفی و فوری اعتراضات دوره اخیر خود دست نیافته اند، اما دستاوردهای بزرگی را در جهت پیشروی مبارزه امروز و فردای خود و کل جنبش کارگری به دست آورده اند.

یک بعد مهم دستاوردهای تاکنونی کارگران شرکت واحد جلب و وسیعترین حمایتی بین المللی کارگری و انسانی است. کمتر حرکت کارگری ایران این درجه از حمایت و توجه جهانی را به خود جلب کرده است. در این میان آکسیونهای روز ۱۵ فوریه ابتکاری بزرگ و درخشان از همسرنوشتی طبقاتی و انترناسیونالیسم کارگری بود. بازتابی از جمله مشهور کارگران جهان متحد شوید."

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی با این اقدام شایسته، تحولی را در همگامی مبارزاتی تا

## کمونیسیت ۸۰

جریان جنگ آمریکا با عراق اتفاق افتاد"

واضح است که عبدالله مهتدی صریح و بی پرده از تظاهرات کم نظیر چندین میلیونی جهان متمدن علیه ژاندارم بازی حکومت آمریکا و بوش دل خونینی دارد و هنوز که هنوز است از فرط نفرت و غیظ بخود میپیچد.

اما عبدالله مهتدی که از همان دوران جنگ خلیج در سال ۹۱ در ارتکاب اشتباهات و محاسبات سیاسی، تخصص یافته است، بازهم اشتباه میکند. او در محاسباتش سناریو به قدرت رسیدن احزاب کردی عراق را زیر سایه دخالتگری آمریکا، برای کردستان ایران هم چیده است. در این توهم است که گویا سازمان زحمتکشان، زیر سایه حملات نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی، درگیری نظامی و اشغال نظامی و حتی درگیری اتمی و بر ریخ و مرگ و فلاکت مردمی که در این سناریو و تحت فشار محاصره

اقتصادی، شاهد فروپاشی مدنیت جامعه ایران خواهند بود، ایشان و هم مربوطه حکومت "هه ریم" (منطقه) کردستان را، احتمالاً به روال کردستان عراق، دو منطقه حکومت "هه ریم"، یکی تحت ریاست سازمان و طایفه و عشیره ایشان و دیگری تحت ریاست حزب دمکرات، برپا خواهند کرد.

و این جاست که این محاسبات عشیره ای، رژیم فرقه قوم پرستان را واداشته است که علیه چپ

کنونی با کارگران ایران ایجاد کردند. حمایتها و همبستگی مبارزاتی را از حوزه ارسال نامه ها و قطعنامه های اعتراضی به حوزه عمل مستقیم و تظاهرات و آکسیون اعتراضی در مقابل سفارت های جمهوری اسلامی ارتقا دادند. نیروی بیشتر و فشار موثر تری را بر جمهوری اسلامی متمرکز کردند. به عنوان اولین نتیجه چنین فشار موثر و متمرکز تعداد قابل توجهی از کارگران و اعضای هیئت مدیره کارگران شرکت واحد در سه روز گذشته آزاد شدند. نفس اعلام این آکسیونها و ایجاد حرکتی هماهنگ در اقصی نقاط جهان ابتکار مهمی را به تجارب تاکنونی همبستگی و همگامی مبارزاتی کارگری در دنیا اضافه کرد.

مراکز کلیدی کارگری ایران جایشان خالی بود!

ایران، علیه جهان متمدن و علیه خطر مهلک و فاجعه بار دخالت نظامی آمریکا در ایران و محاصره اقتصادی، مهمل بیفاد و رویاهای ارتجاعی اش را مرور کند.

اما عملی شدن این رویا برای سازمان زحمتکشان متصور نیست. کمونیسیتها طی سه دهه اخیر در راس مبارزات توده های مردم انقلابی کردستان قرار داشته اند و کردستان ایران، برخلاف "پارچه" های دیگر کردستان حیات خلوت جریانات ناسیونالیست کرد نیست. مردم کردستان ایران، به علاوه با توجه به نمونه آویزان بودن مدنیت در کردستان عراق که تحت سلطه احزاب عشایری و در له کردن و خون پاشیدن به جامعه عراق و لت و پار کردن شهروندان "غیرکرد" توسط سیاست میلیتاریستی آمریکا و اشغالگری نظامی مقدر شده است، علاقه ای به پیاده شدن اوام از رجاعی آقای مهتدی ندارند.

یک حقیقت را مردم ایران و مردم کردستان باید به روشنی بدانند: در اظهارات و مواضع عبدالله مهتدی در برابر مخاطراتی که با او جگرگیری بحران اتمی و دورنمای تقابل نظامی جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل بالای سر جامعه ایران آویزان شده است، یک بی رحمی بی حد و مرز نسبت به سرنوشت مردم ایران، و یک بی مسئولیتی مطلق در قبال مدنیت جامعه، و یک موضع غیرانسانی در برابر وقوع

حمایت بین المللی کارگران در قضای سیاسی سیاسی ایران انعکاس گسترده داشت. تا همین جا نشان داده است که جبهه کارگر با آزادخواهی گره خورده است و باید به رسمیت شناخته شود. اعلام حمایت تعدادی از کارگران ایران خودرو و تشکل ها و انجمن های صنفی کارگران در ایران هم گوشه کوچکی از این واقعیت را منعکس میکند.

اما متأسفانه در این روز جهانی همبستگی با کارگران شرکت واحد کماکان جای کارگران مراکز مهم و کلیدی کارگری ایران خالی بود. این توقعی نفت، ذوب آهن، ماشین سازی ها، برق، آب، گاز، شهرداری ها و دیگر مراکز مهم کارگری بر آورده میشد و چنین نشد. همان کاری که کارگران ایران خودرو و بعضی انجمنهای صنفی انجام دادند را میبایست

جنگ و اعمال تحریم های اقتصادی موج میزند. اینها همگی اجزا یک بیگانه واحدند: ناسیونالیسم، قوم گرایی و فدرالیسم قومی و چفت شدن جهالت قوم پرستانه و ناسیونالیستی با آشتهای دست یافتن احزاب و دستجات ناسیونالیستی و قومی به سلطه سیاسی و حاکمیت فدرالیسم قومی، عیناً چون اسلام سیاسی، بدون یک تعرض افسارگسیخته به شیرازه مدنیت جامعه و فراهم کردن شرایطی که در آن امکان ابراز وجود اراده مردم دشوار شود، نه ممکن است. این فاکتور به ما شهروندان جامعه ایران و به مردم کردستان نشان میدهد که باید قبل از وقوع فاجعه، زمین را زیر پای باندنا و دستجات قوم پرست و ناسیونالیست داغ کنیم و جامعه و صفوف مبارزات خود را در برابر سموم جهالت و تعصبات قوم پرستانه واکنش کنیم.

باید همانطور که قطعنامه دفتر سیاسی حزب حکمتیست تأکید کرده است چهارچشمی مراقب تحرکات دستجات قومی بود. اینها جریاناتی هستند که در دل میلیتاریسم آمریکا و تقابل و انتقامجوییهای داوئر و دستجات استلیمی و در لجنزار قتل و کشتار و بمباران و زیرو رو کردن شیرازه مدنیت جامعه، مجال رشد و نما پیدا میکنند. مواضع و اظهارات نامسئولانه عبدالله مهتدی و بی شرمی او را در این رابطه باید هشدار دهنده تلقی کرد.

کارگران نفت و ذوب آهن و دیگر مراکز صنعتی، که در موقعیت قویتری هستند، انجام میدادند.

هفته گذشته در همین نشریه کمونیسیت گفتیم که با یک ساعت اعتصاب حمایتی یا هر ابتکار دیگری میشود به دفاع از هم طبقه ای های مان بیاییم. با هر دلیلی و با هر توجیهی این حقیقت را باید گفت که تا این لحظه جای مراکز کلیدی کارگری ایران خالی است. و تا زمانی که این نقطه ضعف را نپوشانیم از تکرار این واقعیت تلخ نباید خسته شد.

## کمونیسیت را

### تکثیر

### و پخش کنید!

کلرگان شرکت واحد...

آیا این نشانه این نیست که رژیم از ترس یک کارگر کودک او را گروگان میگیرد؟ یک رژیم تآذندان مسلح و با نهادهای متعدد تحمیق و فریب و سرکوب اینقدر به بیسی افتاده که برای دستگیری یک کارگر همسر و کودکانش را گروگان میگیرد. این روش یک دولت قدرتمند نیست. روش مافیای گانگسترهایی است که برای باج گیری کودکان را گروگان میگیرند.

دردناک اینست که طبقه کارگر خود متوجه قدرت خود نیست. ۱۷ هزار کارگر شرکت واحد که با خانواده های شان بیش از صد هزار نفر میشوند و همانطوری که خودشان میگویند یک خانواده بزرگ کارگری اند. این تازه گوشه کوچکی از خانواده چند ده میلیونی طبقه کارگر و زحمتکش این مملکت است. رژیم به این قدرت طبقه کارگر آگاه است اما خود طبقه ما از این قدرتش به نفع خودش استفاده نمیکند. اگر طبقه کارگر به قدرتش آگاه بود به نظر من اتفاقات عظیمی میافتاد. حالا هم جواب دلسوزی و گریه و زاری نیست. اینها را باید منعکس کرد، اما جواب این مساله جای دیگری است. جواب

در قدرت و سازماندهی کارگر است. کارگر باید خودش را سازمان بدهد. قدرت طبقه ما در سازماندهی اوست به نظر من. این اساس مسئله است. تنها مظلوم نشان دادن طبقه کارگر خدمت به او نیست. دوستی خاله خرسه است! این سنت کارگر، سنت کمونیستی نیست. اراده و اختیار انسان منشا قدرت است. این اراده را باید سازمان داد و به میدان آورد.

پرتو: رهبران جدید آمده اند. این چه مکانیسمی است؟

مظفر محمدی: عده ای از فعالین و رهبران جدید کارگری جلو آمده اند. در سختترین شرایطی که رهبران و نمایندگان منتخب آنها در زندان هستند و هزار نفر را زندانی کرده اند نمایندگی کارگران را قبول کردند و با شجاعت و کاردانی روحیه کارگران را بالا نگه داشتند. قبول این مسئولیت باید مورد احترام و استقبال همه کارگران شرکت واحد قرار گیرد و به نرم سراسری تبدیل شود. همین ۱۶ یا ۱۷ هزار کارگری که بیرون هستند میتوانند رهبران خود را آزاد کنند.

نباید در این مورد توهم داشت که عده ای از دوستانمان در زندان

هستند و جمهوری اسلامی هم کم کم آنها را آزاد میکند. این اشتباه است. توهم است. پیروزی کارگران راهش به میدان آمدن یکپارچه و سراسری کارگران است. راهش اعتصاب و اعتراض است. یک مجمع عمومی بزرگ با ۱۰ هزار نفری کارگران شرکت واحد میتواند همه کارگران را از این وضع نجات داده و بیرون بیاورد.

پرتو: مردم حمایت نکردند، چرا؟ باید عصبانی بود؟

مظفر محمدی: ببینید از این مسئله هم میشود عصبانی بود و هم نه. اگر از من بپرسید میگویم اعتصاب صورت نگرفت. اعتصاب کارگران شرکت واحد را نگذاشتند صورت بگیرد و از همان لحظات اول آن را در نقطه خفه کردند. بنابراین اعتصابی صورت نگرفت. اگر اعتصابی صورت میگرفت اگر ترفیق تهران فلج میشد اگر اکثریت کارگران شرکت واحد در اعتصاب شرکت میکردند و اگر یک نمایش عظیم قدرت در تهران نشان داده میشد، صحنه جامعه عوض میشد لاید مردم هم نمی رفتند در سوار اتوبوس بسیجی ها شوند.

طبقه کارگر از مردم روحیه نمیگیرد. قضیه از نظر من برعکس است. مردم از

اعتصاب کارگران روحیه میگیرند. عکس العمل نشان دادن مردم یک جنبه اش همین است. من به تفاوتی مردم را توجه نمیکنم. مردم باید عکس العمل نشان بدهند و حمایت بکنند.

الآن دو حالت وجود دارد، یکی اینکه نشست و متاسف شد که چرا مردم حمایت نکردند چرا کارگران دیگر نیامدند چرا حمایت

بین المللی کم است و برویم جلو زندان و دادگاه انقلاب و نامه بنویسیم یا بچه های مان را بفرستیم تا با آنها مصاحبه کنند و عکس شان را بگیرند و از این قبیل... این یک پروسه دردناک است. این به انتظار نشستن غلط.

راه دوم این است که اعتصابی را که نگذاشتند شکل بگیرد از سر بگیریم. اینها دارند صورت مسئله را عوض میکنند. الان به جای خواستههای قبلی و اصلی کارگران شرکت واحد مساله شده این که کارگران دستگیر شده را آزاد کنند و اخراج نکنند و بگذارند برگردند سر کار. من اگر نماینده کارگران باشم میگویم دوستان اعتصاب کنیم، اعتصاب صورت نگرفت و نگذاشتند. برویم تجمع کنیم. مجمع عمومی بگیریم.

اولین خواست این است که رییس سندیکا و دیگر دوستانمان به ما بیوندند. لطفا همین الان دوستانمان را بیاورید در همین میدانی که ما ۱۰ هزار نفر تجمع کرده ایم به ما ملحق کنید. و همینجا به ما بگویند که دیگر تعرض به سندیکا موقوف و قرار داد دستجمعی برای افزایش دستمزد ها را به رسمیت میشناسید.

کار از استغاثه و اینکه بچه ات را بیاور عکس بگیرم و... گذشته است. بیفایده است. کارگر در شرکت واحد با اعتصاب خود میتواند به خواست هایش برسد.

پرتو: آرزو میکنید چه بشود؟

نمیخواهم چیزی بگویم که آرزو باشد. آرزوها خیلی زیاد است. منتهی یک چیزی ممکن است و دیگر آرزو نیست. و این ممکن اگر اتفاق نیفتد ما باخته ایم. اگر کارگر شرکت واحد خود رهبرانش را آزاد نکند و به خواست هایش نرسد، ما این دور را باخته ایم. برای اینکه یک دور دیگر کمر راست کنیم شرایط مان سخت تر است. حتما کمر راست میکنیم اما شرایط سختتر است.



ایران از وضعیت زندانیان سیاسی و شرایط خوفناک زندانیهای رژیم اسلامی و نیز رفتار بیرحمانه و وحشیانه مقامات جمهوری اسلامی و زندانیان و دادستانی اسلامی سریعاً اقدام کنیم. ایرج فرزاد



زندانیان سیاسی بی خبر نگاهداشته شوند. ما حزب حکمتیست از مردم و تمامی کسانی که به هر نحوی اطلاعاتی در باره زندانیان سیاسی و شرایط آنها دارند برای ما بفرستند تا در پخش وسیع آن و مطلع نگاهداشتن جهان و مردم

جمهوری اسلامی، رژیم ترور و خفقان و کشتار است. رفتار با زندانیان سیاسی بخشی از تلاش همیشگی این رژیم جنایتکار برای حکم نگاهداشتن فضای رعب و وحشت است. نباید اجازه داد که جهان خارج و مردم ایران از وضعیت

نفر از زندانیان به نقاط نامعلوم کرده اند و به زندانیان باقیمانده گفته اند، که آنها را اعدام کرده اند و نوبت شما نیز فرامیبرد. این وضعیت شرایط وحشت و ناامنی بسیاری را چه در میان زندانیان و چه در بین خانواده و بستگان و دوستان و نزدیکان آنها دامن زده است.

شرایط زندان ها...

کتنک کاری کرده اند. توجیه زندانیان رژیم این است که این یک درگیری بین خود زندانیان است و از مسئولیت آنها خارج است. در همان حال، عوامل دادستانی و زندان رژیم در اوین و گوهردشت و رجائی شهر، اقدام به انتقال چند

ضوابط تحریریه ...

۴ - بالا بردن استاندارد نگارشی در تحریریه و در حزب. تحریریه باید استاندارد نگارشی نشریات کمونیست را به لحاظ فنی، گرامر و آئین نگارشی بالا ببرد.

تحریریه مرکزی باید تضمین کند که این دو نشریه جذاب، خواندنی، پرتعداد، خط دار، تیز و کمونیستی خواهند بود.

ب - تعهدات فردی

اعضای تحریریه مرکزی: رفقای عضو تحریریه مرکزی باید داری بازده کاری حداقلی باشند.

۱ - هر دو ماه یک مقاله قابل چاپ، از نظر سردبیر، برای کمونیست ماهانه بدهند

۲ - هر ماه یک نوشته در کمونیست هفتگی داشته باشند.

۳ - هر ماه یک نوشته در سایت ها و یا سایر نشریات داشته باشند.

پ - جلسات

تعداد جلسات تحریریه را خود تحریریه تعیین میکند. اما سه جلسه زیر قاعداً حد اقل است:

۱ - جلسه هفتگی برای بحث پیرامون کمونیست هفتگی و تقسیم کار برای انجام آن

۲ - جلسات ماهانه برای بحث پیرامون کمونیست ماهانه و تقسیم کار برای آن

۳ - جلسات سه ماه یکبار برای بالا بردن استاندارد فنی نگارش

ت - سردبیران و مدیر داخلی تحریریه

تحریریه مرکزی باید پست های زیر را در میان اعضای خود انتخاب کند. این پست ها میتوانند دائمی یا برای مدت معین باشند. مثلاً هر ۴ ماه یک بار عوض شوند.

سردبیر نشریات میتوانند در مورد صفحه بندی نشریه و مقالاتی که قابل چاپ هستند تصمیم بگیرد. نوشته دبیر کمیته مرکزی باید در نشریه منتشر شود. سه پستی که باید انتخاب شوند اینها هستند:

۱ - سردبیر کمونیست هفتگی

۲ - سردبیر کمونیست ماهانه

۳ - مدیر داخلی که وظیفه اش این است که تضمین کند کل تحریریه مانند یک ماشین واحد با حداقل اشکال کار میکند. بعلاوه مسئول اداره سایت کمونیست هم هست.

دبیر کمیته مرکزی مسئول پاسخ گویی فعالیت تحریریه مرکزی به دفتر سیاسی و پلنوم است و مرجع داوری در امور تحریریه است و حق دارد ضوابط و مقررات کار تحریریه مرکزی را برای پاسخ گویی به نیازهای حزب تغییر دهد و یا این هیات را افزایش یا کاهش دهد.

۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵



به حکمتیست ها به پیوندید!

## ضمائم کمونیست - سازمانده کمونیست

کمونیست از این پس دارای ضامم یا اجزاء جدیدی خواهد بود. این ضامم، به عکس ضاممی که هر موضوعی را میتوانستند به پوشاندن، به موضوعات خاصی تخصیص پیدا خواهند کرد. مثلا اولین ضمیمه ای که از شماره آینده همراه کمونیست منتشر خواهد شد، سازمانده کمونیست. سازمانده کمونیست هر هفته همراه کمونیست منتشر میشود. سازمانده کمونیست باید نقش راهنما یا کتاب دستی (handbook) سازماندهندگان حزبی یا غیر حزبی، توده ای یا غیر توده ای را بازی کند.

اما مبنای کار روتین حزب کماکان خود کمونیست است. انتشار یا باز تکثیر ضامم کمونیست تماما بستگی به این دارد که هر کس یا واحد تشکیلاتی آن را برای فعالیت خود مفید بداند یا نه.

باز تکثیر، توزیع، تبلیغ و ترویج قسمت اصلی نشریه کمونیست، که کماکان در چهار صفحه منتشر میشود، وظیفه پایه هر واحد و جمع حزبی است.

کمونیست به تدریج میتواند داری ضامم موضوعی دیگری نیز بشود، مثلا جا دارد که با پیشرفت کار کمونیست ضمیمه ای دائمی در مورد فعالیت با گارد آزادی، در مورد فعالیت در جنبش کارگری، در معرفی فعالیت های حزب کمونیست کارگری عراق، و غیره نیز داشته باشد.

فلا تا آن وقت، اولین ضمیمه دائم کمونیست، سازمانده کمونیست، از هفته آینده همراه کمونیست منظمًا منتشر خواهد شد.

کمونیست

## تغییر سردبیر کمونیست

مطابق موازین تحریریه مرکزی، که در همین شماره کمونیست مجددا منتشر میشود، مسئولیت سردبیری این نشریه بطور دوره ای میان اعضای تحریریه میگردد. رفیق اعظم کم گویان تا کنون سردبیری کمونیست را بر عهده داشته و از این شماره کورش مدرسی این وظیفه را بر عهده میگیرد. تحریریه مرکزی از زحمات اعظم کم گویان قدردانی میکند و برای او در همه مسئولیت های دیگری که بر عهده خواهد گرفت آرزوی پیروزی میکند و اطمینان دارد که کمونیست همچنان از همکاری او برخوردار خواهد گردید.

## ضوابط تحریریه مرکزی

الف - وظایف:

کلیه اعضای تحریریه، در مقابل حفظ استاندارد بالای کار، موفقیت در انجام وظایف تحریریه و وجود یک فضای کاری، صریح و صمیمانه در تحریریه مسئولیت مستقیم دارند. مسئولیت های تحریریه مرکزی عبارتند از:

- ۱- انتشار کمونیست هفتگی در ۴ صفحه.
  - \* این نشریه مواضع رسمی حزب، فعالیت های حزب و آگهی های حزب در مورد آکسیونها و تظاهرات ها و غیره را منعکس میکند. کمونیست هفتگی در هر شماره باید در مورد مهمترین مسائل ایران و اسیان جهان که حزب در مورد آنها موضع دارد و یا لازم است موضع رسمی داشته باشد، مطلب داشته باشد. مواضع جدید باید به تایید دبیر کمیته مرکزی رسیده باشد.
  - \* هیچ نوشته یا مقاله ای نباید از نیم صفحه بیشتر باشد، مگر در شرایط استثنائی و با تایید دبیر کمیته مرکزی.
  - \* کمونیست هفتگی - جمعه ها منتشر میشود.
- ۲- انتشار کمونیست ماهانه در ۱۶ تا ۳۲ صفحه.
  - \* کمونیست ماهانه یک نشریه سیاسی است که مقالات تحلیلی، جدلی، اطلاعاتی و آموزشی در مورد مسائل مختلف را در برمیگیرد. مخاطب این نشریه کمونیست ها و کانون های فکری و سیاسی جامعه است. کمونیست ماهانه نشریه اژیتاسیونی روزمره نیست.
  - \* مسئولیت مقالات کمونیست ماهانه بر عهده نویسندگان آن است. کمونیست ماهانه نمیتواند به عنوان منتقد سیاست های حزب ظاهر شود.
- ۳- سایت کمونیست: تحریریه مرکزی باید سایت کمونیست را که آرشیو شماره های مختلف کمونیست هفتگی و ماهانه و همچنین مقالات این نشریات را در فرمت HTML پدید در دسترس قرار دهد. باید امکان جستجو در این نشریات را تامین کند. صفحه ۳

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist  
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
www.hekmatist.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!